

بررسی شخصیت حقوقی و قلمرو موضوعی در شرکت های عملی

کاظم کاظمی جلیسه^۱، عیسی مقدم^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه گیلان

^۲ استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

کاظم کاظمی

k.kazemi93@yahoo.com

چکیده

برمبنای ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون درنیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید، شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می گردد؛ از این رو می توان گفت که صرف وجود شرکت، اشتغال به فعالیت تجاری و عدم تطبیق با یکی از قالب های تعیین شده شرکتهای تجاری، برای تحقق موضوعی اعمال ماده ۲۲۰ قانون تجارت کافی است و با تحقق این شرایط از این پس با نهادی بنام "شرکت عملی" روبرو هستیم. هرچند درخصوص شخصیت حقوقی شرکت های عملی میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، اما وقتی قانونگذار این گونه شرکتهای را شرکت تضامنی تلقی می کند منظور از این است که شرکت عملی مشمول مقررات شرکت تضامنی است و از این رو دارای شخصیت حقوقی است. به علاوه به حکم صریح این ماده فقط در مورد شرکت های عملی ایرانی قابل اعمال است و مقررات آن شامل حال شرکتهای خارجی نمی شود.

واژگان کلیدی: شرکت، شرکت عملی، اعمال تجاری، تضامنی

مقدمه

به استناد ماده ۲۲۰ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، می توان گفت که صرف تشکیل شرکت، اشتغال به اعمال تجاری و عدم تطبیق با یکی از قالب های تعیین شده شرکت های تجاری، برای تحقق موضوعی اعمال ماده ۲۲۰ قانون تجارت کافی است و با تحقق این شرایط از این پس با نهادی بنام "شرکت عملی" روبرو هستیم. از ظاهر الفاظ ماده ۲۲۰ قانون تجارت ایران می توان گفت که شرکت عملی در حکم شرکت تضامنی تلقی می گردد؛ اما به نظر می رسد که باید در ظاهر الفاظ نماند و با بررسی درباره ماهیت شرکت های عملی و هدف واقعی مقنن در جهت حفظ حقوق اشخاص ثالث، درباره موجودیت حقوقی و قلمرو موضوعی شرکت های عملی تدقیق و تدبیر نمود.

۱- مفهوم شرکت

شرکت در لغت به معنای شریک شدن انباز و همدست شدن با یکدیگر در کاری تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۶: ۱۲۲۵) بطور کلی در علم حقوق، شرکت را می توان به دو دسته تقسیم نمود: (۱) شرکت مدنی (۲) شرکت تجاری یا حقوقی. (یگانه، ۱۳۸۸: ۸۹) در قوانین موضوعه ایران از شرکت مدنی و شرکت تجاری تعریف دقیقی ارائه نشده است و آنچه قانون گذار در ماده ۵۷۱ قانون مدنی بیان نموده اثر شرکت مدنی است نه تعریف آن. مقنن، فصل هشتم از باب سوم جلد اول قانون مدنی را به مقررات شرکت اختصاص داده و در آن از مقررات مربوط به مال مشاع، اداره و نهایتاً تقسیم اموال مشترک بحث نموده است چنان که در حقوق تجارت نیز مقنن بدون ذکر تعریفی از شرکت تجاری، به ذکر مصادیق این گونه شرکت ها اکتفا نموده است. مبهم ماندن مفهوم شرکت های تجاری و مدنی موجب شده است تا علاوه بر ماهیت حقوقی، حقوق و تعهدات ناشی از آن نیز نامعین باشد. (سید احمدی سجادی، ۱۳۷۸: ۱۳۶)

قانون تجارت در ماده ۲۰، فقط به احصای اقسام شرکت تجاری پرداخته است و تعریفی از شرکت که بیانگر ماهیت و اوصاف حقوقی آن باشد، ارائه نموده است. در مقابل، قانون مدنی نیز ضمن سکوت در ارائه تعریفی از شرکت، جوهر و ماهیت اصلی شرکت مدنی را ایجاد اشاعه در مالکیت می داند که این خود مهمترین و اساسی ترین تفاوت شرکت تجاری با شرکت مدنی است.

در قانون تجارت ایران، شرکت تجاری تعریف نشده است. در قانون تجارت مصوب سال های ۴-۱۳۰۳ که نخستین بار راجع به شرکت های تجاری صحبت شد، فقط به بیان وضعیت شرکت های تجاری (سهامی، تضامنی، مختلط و تعاونی) اکتفا شد و تعریفی از شرکت ارائه نشد. در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ نیز قانون گذار فقط به تعریف هریک از اقسام شرکت های تجاری مذکور در آن پرداخته است بدون آن که تعریفی از شرکت تجاری به دست دهد و یا ارکان تشکیل دهنده شرکت بیان شود. علت سکوت قانون گذار، اقتباس قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه و عدم تعریف شرکت در قانون اخیرالذکر می باشد؛ علت این امر هم مشخص است. زیرا در ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه^۱، شرکت تجاری تعریف شده است و از آنجا که قانون تجارت نسبت به قانون مدنی استثنای بر اصل است و قانون گذار فرانسه که تعریف ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی را کافی و جامع تشخیص داده است، نیازی به تعریف [مجدد] شرکت در قانون تجارت ندیده است. قانون گذار ایران بدون توجه به این امر، مقررات مربوط به شرکت های تجاری را از حقوق اقتباس و در مورد تعریف شرکت تجاری سکوت اختیار نموده است. با توجه به خلأ قانونی موجود، شایسته است قانون گذار یا به تعریف شرکت در قانون مدنی بپردازد به گونه ای که مبین ارکان شرکت بوده و قابل انطباق با قوانین تجاری باشد و یا آن که در قانون تجارت از شرکت تعریفی جامع و مانع، ارائه نماید. (شهسوار، ۱۳۹۰: ۱۹)

حالا که قانون در تعریف شرکت تجاری ساکت است ناگزیر باید به سراغ دکترین و علمای حقوق رفت. تعریف ارائه شده از سوی دکتر محمدعیسی تفرشی را می توان به عنوان تعریفی جامع و کامل بیان نمود: "شرکت تجاری عبارت است از توافق اراده دو یا چند شخص و استمرار اعتباری آن به منظور سرمایه گذاری در یک یا چند عمل تجاری به قصد گذشتن از مالکیت خصوصی خود نسبت به آورده های خویش و استفاده از شخصیت حقوقی مستقل و اعطایی قانون گذار و تقسیم منافع احتمالی آن بین خود." (تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۰)

۲- عناصر تشکیل دهنده شرکت تجاری**۲-۱- قراردادی بودن شرکت تجاری**

شرکت با یک عمل حقوقی به وجود می آید و این عمل باید به وسیله تعدادی از اشخاص تحقق یابد. با وجودی که قانون در برخی از موارد تشکیل یا بقای شرکتی را تحمیل می کند ولی عمل حقوقی تشکیل دهنده آن کماکان جنبه قراردادی دارد. (فخاری، بی تا: ۶)

^۱ - ماده ۱۸۳۲ قانون مدنی فرانسه: "شرکت عقدی است که به موجب آن دو یا چند نفر توافق می کنند چیزی را به منظور تقسیم منافع احتمالی در شرکت بگذارند." "

۲-۲- همکاری (توافق) دو یا چند نفر

در کشور ما با توجه به اینکه برای هر شرکتی بسته به نوع و قالب آن حداقلی از اعضا لازم است، تعدد اعضا شرط تشکیل شرکت تجاری است و به این ترتیب در شرایط فعلی تشکیل شرکت با تک عضو - به استثنای شرکت های دولتی - امکان پذیر نیست. (عیسائی تفرشی و امیرتیموری، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

۲-۳- ایجاد شخصیت حقوقی

نظام حقوقی ایران به مانند نظام های حقوقی جهان، به موجب ماده ۵۸۳ قانون تجارت، برای شرکت های تجاری، شخصیتی مستقل از شخصیت شرکاء به رسمیت شناخته است. (تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۱۷ - کاویانی، ۱۳۸۶: ۱۵ - ۱۸ و ۱۲۹ - ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶) هر چند که قواعد استقلال شخصیت حقوقی شرکت تجاری، متضمن برخی عیوب نیز می باشد، مهمترین آنها تحمیل خطرات ناشی از ورشکستگی شرکت بر بستانکاران به ویژه بستانکاران بدون وثیقه است. این عیب به ویژه در فرضی که اشخاص در پی سوء استفاده از شرکت باشند بیشتر احساس می شود. بدین توضیح که گاهی برخی افراد از تشکیل شرکت اهدافی غیر از فعالیت تجاری دارند؛ درواقع انگیزه ایشان سوء استفاده از تشکیل شرکت برای فرار از تکالیف و تعهدات قانونی است (شهبازی نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰) که البته در این مجال، پرداختن به این موضوع از دایره بحث خارج می باشد.

۲-۴- آوردن حصه

هریک از شرکا، حصه ای به شرکت می آورند که به آورده تعبیر می شود و همان سرمایه فردی هریک از شرکاست که جمع آن با آورده های دیگر شرکاء، سرمایه شرکت را تشکیل خواهد داد. (اسکینی، ۱۳۸۵: ۱۹) چنانچه شریکی حصه در شرکت نیاورد، مشارکت او در شرکت تحقق پیدا نمی کند و چنانچه در پرداخت حصه تأخیر شود، به موجب اغلب قوانین خسارت تأخیر تأدیه تعلق می گیرد و حتی شریک مسئول جبران خسارات وارده شمرده می شود و نیز ممکن است مشارکت او در شرکت باطل گردد. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۰۸)

۲-۵- تقسیم سود و زیان

شرکت تجاری اصولاً برای تحصیل نفع تشکیل می شود و به این ترتیب با شرکت با اشاعه و انجمن هایی که برای کارهای عام المنفعه تشکیل می شوند تفاوت پیدا می کند. (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۱۲)

۳- معیارهای مختلف طبقه بندی شرکت ها

برای این که بتوان شرکت های تجاری موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت را بهتر و راحت تر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، حقوقدانان معیارهای مختلفی را بیان نموده اند که ذیلاً به آنها می پردازیم.

۳-۱- طبقه بندی شرکت براساس مسئولیت شرکاء

بر مبنای این معیار، شرکت ها را به سه دسته می توان تقسیم کرد:

- ۱- شرکت هایی که شرکاء مسئولیت محدود دارند مثل شرکت با مسئولیت محدود و شرکت سهامی.
- ۲- شرکت هایی که شرکاء مسئولیت نامحدود دارند مانند شرکتهای تضامنی و شرکت نسبی.
- ۳- شرکت هایی که برخی از شرکاء مسئولیت محدود و برخی مسئولیت نامحدود دارند مثل شرکت های مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی.

۳-۲- طبقه بندی شرکت بر اساس قابلیت انتقال حصه

بر مبنای این معیار، شرکت ها به دو دسته زیر تقسیم می گردند:

- ۱- شرکت های شخص: به شرکت هایی گفته می شود که شخصیت شریک دارای اهمیت بسیار است. در واقع سرمایه، نقش به سزایی در شرکت ندارد و اعتبار و شخصیت شرکاء است که با سرمایه اندک، شرکت را تشکیل می دهد. در این شرکت ها انتقال حصه شریک به اشخاص ثالث منوط به رضایت دیگر شرکاء است. مثل شرکت های تضامنی و نسبی.

۲- شرکت های سرمایه : شرکت هایی هستند که در آن حصه شریک به آسانی قابل انتقال به دیگران است در واقع سرمایه شرکاء مهم است ، نه شخصیت آنها ؛ چراکه شرکاء فقط تا میزان سرمایه ای که به شرکت آورده اند ، مسئول تعهدات و دیون شرکت می باشند و چنانچه دارایی شرکت برای پرداخت قروض شرکت کافی نباشد ، طلبکاران شرکت ، حق مراجعه به شرکاء را ندارند . مثل شرکت سهامی ، شرکتهای با مسئولیت محدود.

۳-۳- طبقه بندی شرکت بر اساس صاحبان سرمایه

بر اساس این معیار شرکت ها به دو دسته تقسیم می شوند :

۱- شرکت های خصوصی : شرکت هایی هستند که کل یا بیشتر سرمایه آن متعلق به اشخاص و بخش خصوصی است و دولت در آن نقشی ندارد ؛ به این شرکت ها ، شرکت های خصوصی می گویند.

۲- شرکت های دولتی : تقریباً در تمام دنیا مبنای برخی از شرکت ها نفع عمومی است و دولت رأساً به تأسیس این شرکت ها مبادرت می ورزد ، حال یا به تنهایی یا بدین صورت که با اشخاص خصوصی سهام می گردد ولی بخش عمده ای از سرمایه آن متعلق به دولت است ؛ به این قبیل شرکت ها ، شرکت های دولتی می گویند . از قبیل شرکت های مربوط به صنایع مادر ، نفت ، پتروشیمی و ...

۳-۴- طبقه بندی شرکت بر اساس طرز تشکیل

بر این اساس شرکت ها به دو دسته زیر تقسیم می گردند :

۱- شرکت های قانونی : شرکت هایی هستند که مطابق ماده ۲۰ قانون تجارت تشکیل شده اند ، به عبارت دیگر اشخاصی که تمایل به تشکیل شرکت دارند از قواعد مربوط به ماده مذکور تبعیت نموده باشند و شرکت ایجاد شده در قالب یکی از شرکت های مذکور در ماده ۲۰ قانون تجارت و با رعایت سایر مقررات قانون تجارت تشکیل گردیده است .

۲- شرکت های عملی : این قبیل شرکت ها ممکن است به صورت ظاهر یا مخفی فعالیت داشته باشند بنابراین این شرکت ها در عمل وجود دارند ولی بدون آنکه از قالب ماده ۲۰ قانون تجارت و سایر مقررات قانون مذکور تبعیت کرده باشند. در این خصوص قانون گذار ما مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت ، مسئولیت این قبیل شرکت ها را تضامنی می داند. "ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال به امور تجاری خود را به صورت یکی از شرکت های مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت های تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و آلا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکت ها برای عدم ثبت مقرر شده."

شرکت های موضوع ماده ۲۲۰ قانون تجارت ، شرکت هایی هستند که بدون اینکه به شکل یکی از شرکت های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت دربیایند ، عملاً وجود داشته و به صورت منسجم دارای هویت حقوقی و مدیریت بوده و فعالیت می کنند. در حقوق فرانسه این نوع شرکت ها به شرکت عملی یا واقعی و یا مخفی موسوم هستند. در صورتی که اموال شرکت دارای انسجام و مدیریت کامل نباشند ، مشمول مقررات شرکت مدنی است . (دمرچیلی و همکاران ، بی تا : ۴۷۶) در حقوق فرانسه ، این گونه شرکت ها ، شخصیت حقوقی ندارند و بر حسب موضوع آنها ، یک شرکت تجاری یا مدنی محسوب می شوند . در این نوع شرکت ها ، هرکدام از شرکاء باید برای تمام دیون شرکت پاسخ گو باشند . (Maitland , 1997 ; 197-198)

۴- شخصیت حقوقی شرکت های عملی

برخی از حقوقدانان از جمله دکتر حسن ستوده برآنند که شرکت های عملی ، نه حقوقی ، به هیچ وجه دارای شخصیت حقوقی نمی باشند و قانون ایران آنها را به رسمیت نمی شناسد ولی برای حفظ منافع اشخاص که با چنین شرکت هایی وارد معامله می شوند ، ماده ۲۲۰ قانون تجارت ایران مقرر می دارد که (این شرکت ها) شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکت های تضامنی در مورد آن اجرا می گردد. (ستوده تهرانی ، ۱۳۸۸ : ۲۰۴) اما در مقابل عده ای دیگر هم چون دکتر ناصر کاتوزیان برای شرکت های عملی ، شخصیت حقوقی قائلند و این نوع شرکت را مانند سایر انواع شرکت های موضوع قانون تجارت واجد شخصیت حقوقی می دانند . (کاتوزیان ، ۱۳۸۶ : ۲۷ به بعد) چه وقتی قانون گذار این شرکت ها را شرکت تضامنی تلقی می کند ، منظور از این است که شرکت عملی مشمول

مقررات شرکت تضامنی است و در نتیجه اموال شرکت متعلق به شخص حقوقی است و آورده های شرکاء، سرمایه شرکت را تشکیل می دهد، هر چند ممکن است شرکت نه نام خاصی داشته باشد و نه اقامتگاهی مشخص. (اسکینی، ۱۳۸۵: ۷۱)

هر چند که این تلقی قانون گذار متضمن فوایدی است، از جمله اینکه در قبال اشخاص ثالث مسئولیت سنگین تری بر دوش شرکاء گذاشته می شود و دوگانگی بین قواعد حاکم بر تاجر پیشگان از بین می رود و هر شخص که بدین شغل مبادرت می ورزد تابع نظامات خاص آن می شود و اشخاص بی مبالا نمی توانند در نتیجه بی اضطالی یا سوء نیت از تکالیف ویژه بازرگانان معاف گردند و به علاوه با گسترش قلمرو شخصیت حقوقی، نوعی پیشرفت در مفاهیم اجتماعی تحقق پیدا می کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸) ولی این تلقی قابل انتقاد هم هست، زیرا از آنجا که شرکت عملی به لحاظ آنکه در حکم شرکت تضامنی است دارای شخصیت حقوقی مستقلی تلقی می شود، طلبکاران چنین مشارکتی فقط در صورتی می توانند به شرکاء مراجعه کنند که ابتدا به شرکت مراجعه کنند و اگر شرکت قادر به پرداخت دیون خود نبود، تقاضای ورشکستگی آن را بکنند. همچنین طلبکاران در صورتی می توانند به هر یک از شرکاء مراجعه کنند که شرکت ورشکسته و یا به طریق دیگر منحل شود. راه حل منطقی تر این است که برای شرکت عملی شخصیت حقوقی قائل نشویم ولی به طلبکاران حق بدهیم که به شرکاء به صورت تضامنی مراجعه کنند. این امر منافع اشخاص ثالث را بیشتر تأمین می کند؛ چرا که اشخاص اخیر، به جای مراجعه اولیه به شرکت و مواجه شدن با مشکلاتی که از آن ناشی می شود، به طور مستقیم به شرکاء و به هر یک از آنان که بخواهند مراجعه می کنند. قائل شدن شخصیت حقوقی برای شرکت عملی مشکلات دیگری نیز به وجود می آورد، از جمله اینکه چون شرکت نام خاصی ندارد، اقامه دعوا علیه آن مشکل است، همچنین است اگر شرکاء در جای خاصی که بتوان آنجا را اقامتگاه تلقی کرد، تجارت نکنند. این مشکلات ایجاب می کند که قانون گذار ایران در ماده ۲۲۰ تغییراتی بدهد تا مسأله مراجعه طلبکاران شرکت های عملی مرتفع شود. (اسکینی، ۱۳۸۵: ۷۲) و این چیزی است که در حقوق فرانسه نیز جاری است؛ در حقوق فرانسه، چنین شرکت هایی فاقد شخصیت حقوقی محسوب می گردند، اما شرکای این شرکت ها، در مقابل طلبکاران، مسئولیت تضامنی دارند. (Droit

Commercial: no.680 et Droit Commercial, Groupements Commerciaux : no.13)

لازم به ذکر است که حتی در صورت شناسایی شخصیت حقوقی برای شرکت عملی، این شناسایی به صورت محدود می باشد؛ یعنی از لحاظ زمانی محدود به تعیین تکلیف حقوق سهامداران و طلبکاران و بدهکاران آن می باشد و از لحاظ مکانی نیز محدود به کشوری که در آنجا استقرار دارد می شود و به عبارت دیگر این نوع شرکت نمی تواند در کشور دیگری به قانون دولت متبوع خود استناد کند. علت این محدودیت ها این است که هدف از شناسایی شخصیت حقوقی برای شرکت عملی فقط حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث است، برخلاف شرکت های واقعی که هدف از اعطای شخصیت حقوقی این است که مالکیت فردی سهامداران در مالکیت شخصیت حقوقی حل شده تا زمینه برای گسترش فعالیت تجاری هموار شود. (ایرانپور، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۹)

از این رو می توان گفت که شخصیت حقوقی، ویژگی مشترک کلیه شرکت های تجاری است؛ حتی شرکت هایی که به ثبت نرسیده و مطابق قانون تجارت تشکیل نشده اند، بلکه در عمل موجودند (ماده ۲۲۰ ق. ت) معذک این ویژگی مشترک در شرکت های مختلف، جلوه ای متفاوت دارد. (اسکینی، ۱۳۸۵: ۳۳)

۵- قلمرو موضوعی شرکت های عملی در حقوق

ماده ۲۲۰ فقط ناظر به شرکت های عملی ایرانی است و شامل شرکت های خارجی نمی شود. با توجه به اینکه شرکت هایی که در قالب یکی از شرکت های مذکور در قانون تجارت در نیامده باشند اصولاً فاقد شخصیت حقوقی می باشند و با توجه به اینکه ماده ۱ ق. ت. ش معیار دوگانه (محل تشکیل و استقرار مرکز اصلی در ایران) را در مورد تابعیت شرکت ها پذیرفته و چون معیار روشنی برای تشخیص محل "مرکز اصلی" و به خصوص "محل تشکیل" این گونه شرکت ها وجود ندارد، تشخیص معیار ایرانی یا خارجی بودن شرکت های موضوع ماده ۲۲۰ در هاله ای از ابهام قرار دارد. (دمرچیلی و همکاران، بی تا: ۴۷۸)

آنچه مسلم است این است که اگر شرکتی، مرکز اصلی آن در ایران نباشد و در نتیجه ایرانی نباشد مشمول ماده ۲۲۰ ق. ت. نخواهد بود. این نکته به ویژه از این حیث قابل انتقاد است که شرکت هایی که ایرانی نبوده اما در قلمرو ایران فعالیت می کنند به رغم آنکه سایر شرایط ماده ۲۲۰ را داشته باشند، از شمول ماده مذکور خارج می باشند؛ این امر سبب می شود که نتوان از اشخاص ثالث، حمایت کافی نمود. فلذا به نظر می رسد در اینجا باید از ظاهر الفاظ مقرر در ماده ۲۲۰ ق. ت دست کشید و قائل بر این بود که اگر اشخاص خارجی بدون رعایت احکام مقرر در ماده مذکور اقدام به فعالیت تجاری نمایند، در این صورت شرکت تضامنی محسوب خواهند شد. (شهبسوار، ۱۳۹۰: ۱۶)

در هر حال به موجب ماده ۳ قانون ثبت شرکت ها برای آنکه شخصیت حقوقی شرکت خارجی در ایران شناخته شود و شرکت بتواند در ایران مبادرت به امور تجاری کند، باید در مملکت اصلی خود شرکت قانونی شناخته شده، در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده

با شد . عدم هر یک از دو ملاک فوق موجب می شود که، از دید قانون ایران، شرکت خارجی موجودیت نداشته باشد. ماده ۲۲۰ قانون تجارت ایران که برای شرکت های عملی شخصیت حقوقی قائل است، به حکم صریح این ماده فقط در مورد شرکت های عملی ایرانی قابل اعمال است و مقررات آن شامل حال شرکت های خارجی نمی شود به نظر می رسد این بدان علت است که قانون تجارت ، یک قانون درون مرزی است نه فرا مرزی ، از این رو طبق اصل سرزمینی و درون مرزی بودن قانون تجارت، تنها قلمرو حاکمیت آن در داخل کشور است نه خارج کشور .

۶- نتیجه گیری

در قوانین موضوعه ایران از شرکت مدنی و شرکت تجاری تعریف دقیقی ارائه نشده است و آنچه قانون گذار در ماده ۵۷۱ قانون مدنی بیان نموده، اثر شرکت مدنی است نه تعریف آن. مقتن، فصل هشتم از باب سوم جلد اول قانون مدنی را به مقررات شرکت اختصاص داده و در آن از مقررات مربوط به مال مشاع، اداره و نهایتاً تقسیم اموال مشترک بحث نموده است، چنان که در حقوق تجارت نیز مقتن بدون ذکر تعریفی از شرکت تجاری، به ذکر مصادیق این گونه شرکت ها اکتفا نموده است. مبهم ماندن مفهوم شرکت های تجاری و مدنی موجب شده است تا علاوه بر ماهیت حقوقی، حقوق و تعهدات ناشی از آن نیز نامعین باشد. از میان تعریفی که در خصوص شرکت های تجاری شده تعریف آقای تفرشی مناسب تر است: "شرکت تجاری عبارت است از توافق اراده دو یا چند شخص و استمرار اعتباری آن به منظور سرمایه گذاری در یک یا چند عمل تجاری، به قصد گذشتن از مالکیت خصوصی خود نسبت به آورده های خویش و استفاده از شخصیت حقوقی مستقل و اعطایی قانون گذار و تقسیم منافع احتمالی آن بین خود." شرکت های تضامنی، نسبی، با مسئولیت محدود، سهامی خاص، سهامی عام، مختلط غیرسهامی، مختلط سهامی و تعاونی از انواع شرکت های تجاری می باشند که براساس معیارهای مختلفی می توان شرکت را طبقه بندی نمود که مهمترین آن معیارها که با موضوع این نگارش نیز مرتبط است، طبقه بندی شرکت براساس طرز تشکیل است که شرکت ها به دو دسته شرکت های قانونی و شرکت های عملی تقسیم می شوند. درخصوص شرکت های عملی باید گفت که این قبیل شرکت ها ممکن است به صورت ظاهر یا مخفی فعالیت داشته باشند؛ بنابراین این شرکت ها در عمل وجود دارند ولی بدون آنکه از قواعد ماده ۲۰ ق. ت تبعیت کرده باشند. در این خصوص قانون گذار ما مطابق ماده ۲۲۰ ق. ت مسئولیت این قبیل شرکت ها را تضامنی می داند. هرچند در خصوص شخصیت حقوقی شرکت های عملی میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد، اما وقتی قانون گذار این گونه شرکت ها را شرکت تضامنی تلقی می کند، منظورش این است که شرکت عملی مشمول مقررات شرکت تضامنی است و در نتیجه اموال شرکت متعلق به شخص حقوقی است و آورده های شرکاء، سرمایه شرکت را تشکیل می دهد، هرچند ممکن است شرکت نه نام خاصی داشته باشد و نه اقامتگاهی مشخص و از این رو دارای شخصیت حقوقی است. قلمرو موضوعی ماده ۲۲۰ ق. ت که در خصوص شرکت های عملی است فقط ناظر به شرکت های عملی ایرانی است و شامل شرکت های خارجی نمی شود. این نکته به ویژه از این حیث قابل انتقاد است که شرکت هایی که ایرانی نبوده اما در قلمرو ایران فعالیت می کنند به رغم آنکه سایر شرایط ماده ۲۲۰ را داشته باشند، از شمول ماده مذکور خارج می باشند؛ این امر سبب می شود که نتوان از اشخاص ثالث، حمایت کافی نمود. فلذا به نظر می رسد در اینجا باید از ظاهر الفاظ مقرر در ماده ۲۲۰ ق. ت دست کشید و قائل بر این بود که اگر اشخاص خارجی بدون رعایت احکام مقرر در ماده مذکور اقدام به فعالیت تجاری نمایند، در این صورت شرکت تضامنی محسوب خواهند شد. هرچند که به حکم صریح این ماده فقط در مورد شرکت های عملی ایرانی قابل اعمال است و مقررات آن شامل حال شرکت های خارجی نمی شود.

منابع و مراجع

- [۱] عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ دهم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶.
- [۲] یگانه، فریدون، حقوق بازرگانی، انتشارات اشک قلم، ۱۳۸۸.
- [۳] سید احمدی سجادی، سیدعلی، "مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره ۴، ۱۳۷۸.
- [۴] شهسوار، ساعد، "بررسی قلمرو موضوعی شرکت های عملی"، ماهنامه کانون، شماره ۱۲۲، ۱۳۹۰.
- [۵] تفرشی، محمد عیسی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- [۶] فخاری، امیرحسین، جزوه درس حقوق تجارت ۲، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مقطع کارشناسی، بی تا.
- [۷] عیسائی تفرشی، محمد؛ امیر تیموری، سعیده، "شرکت تجاری تک عضوی و تطوّر تاریخی آن مطالعه تطبیقی"، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- [۸] کاویانی، کوروش، حقوق شرکت های تجاری، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- [۹] ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، چاپ بیست و دوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- [۱۰] شهبازی نیا، مرتضی؛ تفرشی، محمدعیسی؛ کاویانی، کوروش؛ فرجی، اسماعیل، "عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ۱۳۹۰.
- [۱۱] اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت: شرکت های تجاری، جلد اول، چاپ دهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- [۱۲] دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میثاق عدالت، بی تا.
- [13] Maitland – Walker, Julian, Guide to European company laws, 2nd ed, London, Sweet & Maxwell, 1997.
- [۱۴] کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: مشارکت ها و صلح (عقود معین، جلد دوم)، چاپ هفتم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- [۱۵] ایرانپور، فرهاد، "عدم شناسایی شرکت سهامی خارجی و اثر آن در حق ترافع"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۲، ۱۳۸۰.